



سفارش می‌کند که چشمانت را به دور دست بینداز و ببین که سراسر فتنه است و مثل زمان رسول خدا (ص) نیست که دشمن مشخص باشد و در این جنگ، دشمن تابلو اسلام را برداشته است. نباید از سروصداها هراسید. در آشوب‌های ۱۸ تیر نیز همین افراد آمدند و آن مسائل را طراحی کردند، بسیج و حزب‌الله صبر کردند و وقتی فهمیدند موقع مناسب است، چند ساعته قضیه را جمع کردند.

افرادی مدعی بودند سیاست ما سیاست تنش‌زدایی است، چون مسلماً وقتی با دشمن کاری نداشته باشی، آن هم با تو کاری ندارد و یک قدم جلوتر می‌آید و آیا واقعاً عزت کنونی بالاتر است یا آن زمان؟

برخی مطرح می‌کنند که ما ابتدا باید خودمان را قوی کنیم و بعداً به آمریکای لاتین برسیم، این حرف‌ها بد است و درست نیست؛ چون آمریکای لاتین حیات خلوت آمریکا است و آنان از حضور ما در آن‌جا نگرانند.

در گذشته شناختن برخی جریان‌ها مشکل بود، ولی اکنون دشمن با صد زبان، خواست و اهداف خود را اعلام می‌کند و اگر دیدید که جریانی با این دشمن خارجی هم‌سو است، باید در همراهی با آن تردید کرد؛ مگر این که عکس آن ثابت شود.

زمان بسیار حساسی است و دشمن خارجی با همه توان به میدان آمده و کار به نقطه حساس رسیده است، یقین بدانید دشمن بیرونی از این میدان هم ناکام بیرون می‌آید. دشمن خیال جمع داشته باشد که دیگر مالک بر نمی‌گردد، صحنه عاشورا است؛ ولی این بار قرار نیست حسین شهید شود، بلکه زمان هلاکت یزیدها و عمر سعدهاست.

در کشور ما بد اخلاقی حتی اگر کم هم باشد، چون توقع و انتظار نیست، خیلی سر و صدا می‌کند، مثلاً بعضی‌ها نگران سلامت انتخابات هستند. در عمر سی ساله انقلاب، نزدیک به ۳۰ انتخابات در این کشور برگزار شده و تقلب در انتخابات ممکن نیست و نگرانی از سلامت انتخابات، یک تبلیغ برای انتخابات نیست، بلکه تبلیغی برای بعد از انتخابات است.

در یک دوره‌ای جریانی حاکم بود و در انتخاباتی که آن جریان برگزار کرد، جریان مقابل رای آورد. خرداد ۷۶ جریانی که دولت را در دست داشت، مجری برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود، اما جریان مقابل آن در انتخابات پیروز شد و انتخابات تیر ۸۴ هم به این صورت بود. گام اول برای جلوگیری از بد اخلاقی، تدوین یک منشور حساب شده و دقیق است. البته فکر می‌کنم منشور به تنهایی کافی نیست؛ برای اینکه منشور اخلاقی می‌تواند به خواب رفتگانی

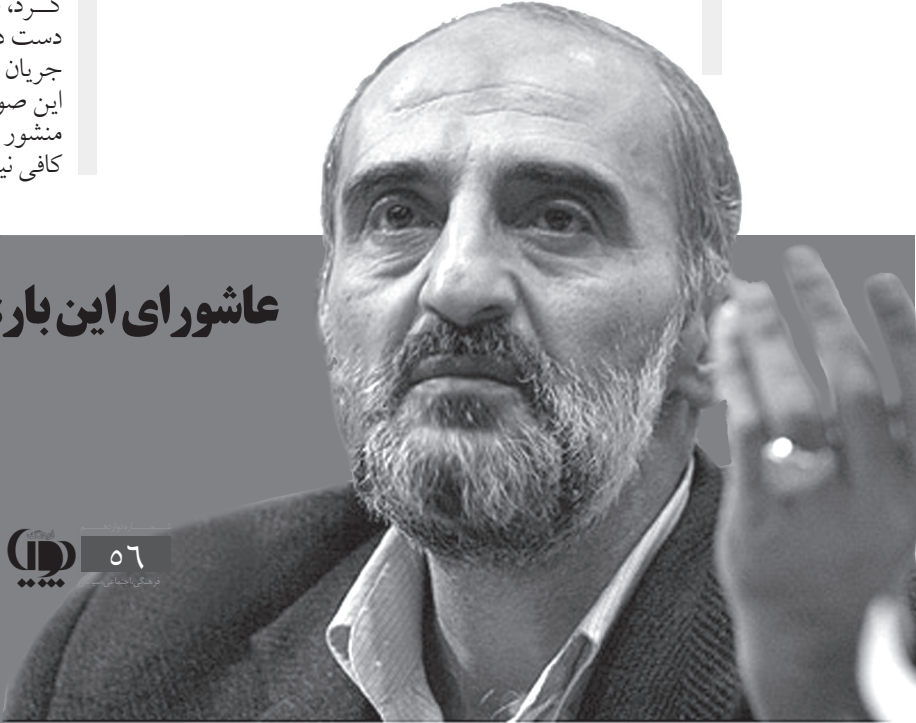
بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، همه افرادی که شورای نگهبان تأیید کرده است، صالح هستند و باید بگردیم و فرد اصلح را انتخاب کنیم؛ زیرا همه تابلوها تابلو خط امام است، ولی آن چه مهم است، واقعیت امر و عملکرد پشت این تابلوهاست. مردم ایران، انقلاب را در دل خود آشنا یافتند و احساس کردند این انقلاب گم شده خودشان است. امام راحل با حرکت خود، غبار قرن‌ها بدعت و کج‌اندیشی را پاک کرد و اسلام ناب را آن‌چنان که در صدر بود، عرضه کرد. از ویژگی‌های اسلام، ظلم‌ستیزی است و اسلامی که ظلم‌ستیز نباشد، اسلام نیست و قطعاً اسلام نمی‌تواند به پر خوری پر خوران و سرمایه‌داران در کنار فقر محرومان تن دهد. اسلام ظلم‌ستیز تا زمانی که در تئوری‌ها حضور داشته باشد، کسی با آن کاری ندارد، ولی وقتی بر کرسی قدرت می‌نشیند، اولین اتفاق این است که نظام سلطه بین‌المللی در برابر آن قد علم می‌کند و با این هویت، نظام سلطه و دنباله‌های داخلی آن، در برابر اسلام ظلم‌ستیز خواهند بود و انتظار نداشته باشید دست از دشمنی بردارند که این دشمنی‌ها در دو حالت پایان می‌پذیرد: اول این که دشمن از خوی استکباری خود دست بکشد و دوم این که شما از اسلام ناب دست بکشید.

چه شده است که آمریکا، اسرائیل و دیگر کشورهای وابسته منطقه، همه متفق‌القول شده‌اند که در ایران اصول‌گرایان نباید در انتخابات پیروز شوند؟ جریان اصولگرایی دارای امتیازاتی است که هر کس بخواهد علیه اصولگرایی موضع‌گیری کند، به ضرر خودش تمام می‌شود و این سیاه‌نمایی‌ها نتیجه معکوس خواهد داشت. اصولگرایی پیروی از گفتمان امام و انقلاب است.

چه اتفاقی افتاده است که همه سرمایه‌داران، در اردوگاه برخی کاندیداهای خاص کباده می‌کشند؟ اتفاق خاصی در حال رخ دادن است. ماجرای جنگ جمل با دیگر ماجراها متفاوت است، چون در یک طرف این ماجرا طلحه و زبیر حاضر هستند که افراد کمی نبودند، ولی چرا در آن سو ایستادند؟ چون افرادی بودند که خروج از حاکمیت کرده بودند، چون زیاده می‌خواستند و علی (ع) کسی نبود که عدالت را زیر پا بگذارد. امیرالمؤمنین (ع) به محمد حنفی

عاشورای این بار، زمان هلاکت یزیدهاست

حسین شریعتمداری



را بیدار و هشیار کند که دچار خطاهای اخلاقی در انتخابات نشوند؛ ولی آنهایی که خودشان را به خواب زدند، با منشور بیدار نمی‌شوند. تعداد آنهایی که خودشان را به خواب زدند، کم است. مشکل این است که بعضی از کسانی که خود را به خواب زده‌اند، سردمداران جریانی هستند و به خواب‌زدگی خودشان را به صورت تخریب به هواداران خودشان منتقل می‌کنند. دقیقاً همین جا هست که پای شایعه‌پراکنی، پای عملیات روانی و مسائل غیر اخلاقی از این نوع به میان می‌آید. باز هم منظور این نیست که این یک پدیده بسیار گسترده است، ولی به هر حال، در نظام اسلامی ما و در جامعه ما، از سیاسیون انتظار خیلی بیشتری هست و کم هم در این جا، خیلی زیاد جلوه می‌کند؛ اما از سوی دیگر، منشور اخلاقی می‌تواند خیلی از بایدها و نبایدها را مشخص کند. این بایدها و نبایدها باید تضمین اجرایی هم داشته باشد. این جاست که من فکر می‌کنم این کیفیت تبدیل به کمیت شود.

سوار خوب کسی نیست که فن سوار را می‌داند، باید آداب از اسب افتادن را هم یاد بگیرد. خیلی از این‌ها برمی‌گردد به آن سجایای اخلاقی آدم‌ها؛ یعنی آدم‌هایی که وقتی پیروز نمی‌شوند؛ یعنی انتظارشان از پیروزی چه بوده؟ حالا که به دست نیاورند، چه چیزی را از دست دادند؟ آدم‌ها دشمن جهل خودشان هستند و تصویر غلطی از واقعیت خودشان دارند. مقام معظم رهبری فرمودند: بعضی‌ها نباید تصور کنند که اگر این جناح پیروز شد یا آن جناح، سقف آسمان به کف زمین چسبیده است. به قول قرآن: «تلك الايام نداولها بين الناس». حضرت امام (ره) در پاسخی که به نامه آقای محمدعلی انصاری دادند که بعد منشور برادری نامیده شد، طوری بود که ظاهراً خود آقای انصاری انتظار دیگری داشت و خیلی‌های دیگر هم همین‌طور بودند؛ یعنی نگاه ایشان به این جناح و آن جناح و با نگاهی که دیگران دارند، متفاوت است.

چند وقت پیش مقام معظم رهبری می‌فرمود: نقد منصفانه یعنی اینکه شما خوبی‌هایش را هم بگوئید. این جریان‌ها فضا را آلوده می‌کنند و اتفاقاً بیشتر آلودگی مال این طیف است و خود توده‌های مردم این طوری نیستند. ببینید از اول انقلاب هم این جور بوده و حالا نوع جریانات فرق کرده است. حضرت امام در مورد شهید بهشتی فرمودند: آنچه بیشتر از شهادت ایشان غم‌انگیز و نگران‌کننده است، مظلومیت ایشان است. علیه ایشان شعار ضد ارتجاع می‌دادند. وقتی می‌خواستند برای ارتجاع، مابه‌ازای بیرونی بدهند، اسم شهید بهشتی، آقای هاشمی و مقام معظم رهبری را می‌بردند. حضرت امام فرمودند: اگر ارتجاع این است، پس خدا هم مرتجع است. الان هم به نظرم می‌آید که باید ریشه بعضی از رقابت‌های ناسالم را در بعضی

از شیطنت‌ها دانست. خیلی هم دامنه‌اش کوتاه نیست. نمی‌خواهم بگویم که خیلی هم فراگیر است. می‌گویم که اگر ما یک دایره‌ای بکشیم و بگوئیم که رقابت‌های ناسالم در این دایره قرار می‌گیرد، بخشی از این دایره مال اینهاست و بخشی هم آدم‌های ناآگاه هستند و بخشی هم ممکن است که انگیزه‌های دیگری داشته باشند. در این زمینه برخی از مراکز مسئول، وظیفه خودشان را انجام نمی‌دهند. بعضی وقت‌ها دنبال سراب می‌رویم. به نظر می‌آید در این زمینه خیلی کارها باید بشود. کار اطلاعاتی هم لازم است. وقتی شما یک جریان را می‌بینید که وابسته است، باید با آن برخورد بکنید. نمی‌گویم زندان و فلان؛ بلکه برخوردهای اجتماعی لازم است. فکر می‌کنم مثل این گونه کارها، می‌تواند در حد زیادی جلوی بعضی از این بداخلاقی‌هایی که تعمدی است را بگیرد.

برای شناخت نامزدهای ریاست جمهوری، مراجعه به تابلوها کافی نیست، بلکه باید به طیف اطرافیان، سوابق و حال و هوای کنونی آنها نیز توجه شود. به عنوان مثال، چگونه می‌توان مسئولیت قوه اجراییه جمهوری اسلامی ایران را به کسانی سپرد که در گذشته‌ای نه چندان دور، اسلام را ناکارآمد و متعلق به ۱۴۰۰ سال قبل می‌دانستند؟ و یا در حالی که دشمنان به تهدید روی آورده‌اند، چگونه می‌توان زمام امور اجرایی را به دست کسانی داد که فرهنگ شهادت‌طلبی را خشونت‌آفرین می‌نامند و شعار «توب تانک بسیجی دیگر اثر ندارد» سر می‌دهند؟ و یا چطور می‌شود به شعار خط امامی بودن کسانی اعتماد کرد که معتقد بودند بینش امام (ره) باید به موزه تاریخ سپرده شود؟ و یا با کدام منطق می‌توان ادعای حمایت از محرومان کسانی را باور کرد که مردم مستضعف را مسخره کرده و از آنها با عنوان «لشگر قابلمه به دست‌ها» یاد می‌کردند؟ در سیاست خارجی مگر فراموش کرده‌ایم که در اوج هجوم تبلیغاتی آمریکای و اسرائیل، افرادی از پشت تریبون مجلس ششم، اعلام می‌کردند که جمهوری اسلامی ایران ۱۹ سال درباره فعالیت هسته‌ای خود به دنیا دروغ گفته است؟! یا کسانی که بیشترین وقت و امکانات دولت را صرف درگیری‌های گروهی و حزبی می‌کردند و حتی مسئولان رسمی، دولت را به حمایت از آشوب‌های خیابانی گسیل می‌داشتند، چگونه می‌توانند مسئولان امین و قابل اعتمادی باشند؟

این موارد تحلیل نیست؛ بلکه اخبار غیرقابل انکاری است که در روزنامه‌ها و طی سخنان و اظهارات رسمی مطرح شده و تمامی اسناد آن موجود است. ملاک برای ما خط امام (ره) است، امام خمینی (ره) هم فرزندان نسبی دارند، هم فرزندان معنوی. فرزندان معنوی امام (ره) که از همه به آن بزرگوار نزدیک‌ترند، پیروان واقعی حضرت امام (ره) هستند